



یادداشتی بر «گناه تمسخر دیگران» در قرآن

نویسنده: آرش طوفانی

چندی پیش دوست عزیزی در بخش پرسش و پاسخ سایت تدبیر در مورد این سوال کرده بود که چرا قرآن کریم «تمسخر دیگران» را جزو گناهان بزرگ محسوب داشته است. مطلب ذیل پاسخی کوتاه به آن پرسش است.

آدمی که دیگری را مورد تمسخر قرار می‌دهد، به طور ضمنی این را هم بیان می‌کند که از دیگری برتر است! و این رفتار اگر تبدیل به عادت شود، بزرگترین بلای اخلاقی ای که مادر تمام رذایل است، نصیب شخص مسخره کننده می‌گردد! یعنی ندیدن عیوب خود و خویش را عاری از هر عیوب و نقص دانستن؛ که این نیز منتج به این مصیبت خواهد شد که آن فرد به جهت نادیده گرفتن عیوب خود، طبیعتاً برای اصلاح آن‌ها نیز اقدامی نکند و رفته رفته وضعیت وخیم تری از نظر روانی و روحی پیدا کند؛ که صد البته اختلالات روحی هم منجر به آثار و نتایج عینی و مادی خواهد شد!

بنابراین «تمسخر دیگران» فقط موجب شکستن دل انسان‌های دیگر و تحکیر آن‌ها نمی‌شود، بلکه گریبان شخص مسخره کننده را هم خواهد گرفت!

از سوی دیگر ما در مباحث اخلاقی داریم که خلق انسانی «عیال الله» محسوب می‌شوند! و خداوند شدیداً نسبت به اضرار روحی، روانی و مادی عیال خود حساس است؛ چنین دیدی در قرآن بوده که منشاء آثار عدیده‌ای در معرفت اخلاقی و فلسفه‌ی اخلاق شده است.

ما در مباحث اخلاقی و دینی داریم که «آبروی مومن از کعبه نیز بالاتر است!» ما در قرآن داریم که اللہ می فرماید: «ولقد کرّمنا بنی آدم» یعنی «ما فرزندان آدم را بزرگ داشتیم» و این به این معنا است که خداوند برای انسان احترام ویژه ای قائل شده است!

بنابراین تمسخر دیگران یعنی ریختن آبروی یک انسان، یعنی تحقیر موجودی که پروردگار گیتی برای او احترام قائل شده است، یعنی توهین به موجودی که خداوند برای او احترام قابل است! بنابراین بدیهی بوده که از منظر اخلاق دینی، بایستی به عنوان یکی از بزرگترین گناهان محسوب شده و قرآن به آن متذکر گردد.

در واقع اگر قرآن تمسخر را گناه بزرگ نمی شمرد، موجب تعجب بود!

اما مضرات تمسخر دیگران به این ها محدود نمی شود! از منظر روانشناسی «تمسخر دیگران» موجبات تحریک آن ها را فراهم می سازد؛ که یا موجب اقدام متقابل فرد مسخره شده می شود که این یعنی رواج توهین، جدال، نزاع و برهم خوردن سلامت اخلاقی جامعه که بسی تبعات وخیم برای جامعه ای انسانی دارد؛ و یا موجب ایجاد عقده در روح شخص مسخره شده می گردد؛ که بعدها یا از طریق اقدامات مجرمانه و یا از طریق اعمال تمسخر از سوی خود آن فرد نسبت به دیگران و یا رفتارهای سالب حیات آن شخص بروز می یابد؛ که همه و همه یعنی تخلیه ای یک فشار روحی نامطبوع و مخرب در بستر زندگی جمعی انسان ها!

ما در قرآن به کرات داریم که از بزرگترین نشانه های جهنّمیان، اهل نزاع بودن ایشان است! دائم در جدال و جنگ با همدیگر بسر می برند. از همین روی «تمسخر دیگران» که مایه ای انواع نزاع در بستر جامعه می گردد، از این زاویه اگر نگاه شود، یکی از اوصاف اهل جهنّم است!

چه بسیار قتل هایی که ریشه در یک عقده ای داشت که قاتل به جهت مورد تمسخر قرار گرفتن توسط مقتول در سال های پیش، دست به ارتکاب قتل زده است! چه دیگر آزاری هایی که ریشه ای رفتارهای اشان در «عقده ای حقارتی» بوده که در روان آنها به جهت داشتن تجربه ای تحقیر شدن داشته اند! و ...

بنابراین صد البته ضروری بود که از هر نظر «تمسخر دیگران» یک گناه کبیره در قرآن تلقی شود! پیامبر اسلام صلّ اللہ علیه و آله در بیان هدف رسالت خود فرمود: «من مبعوث شدم برای تمیم مکارم اخلاقی.»

فلدا اساساً دین، بنیانش بر اخلاقیات استوار است؛ و به همین جهت هم قرآن کریم مملو از احکام اخلاقی است.